

چکیده

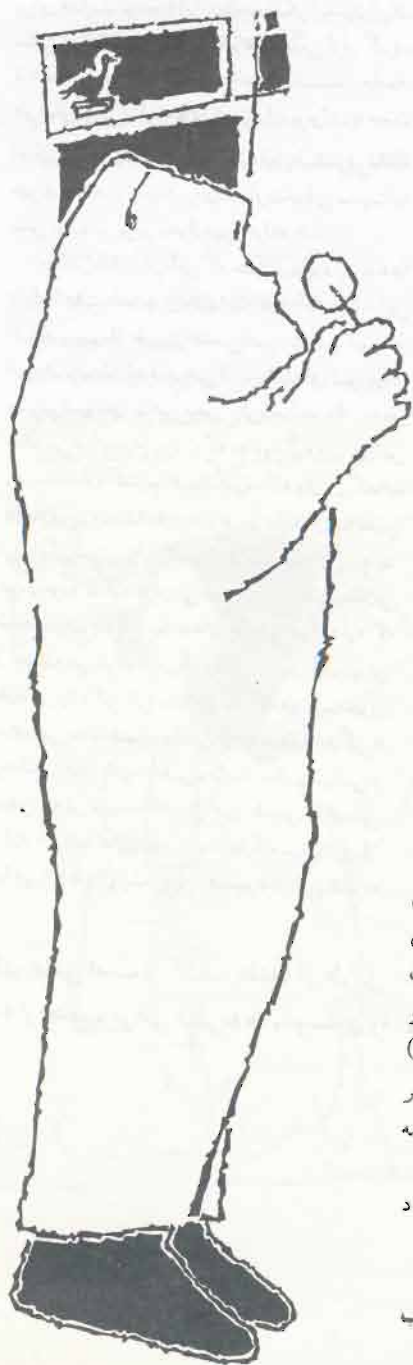
نویسنده ضمن ارائه تعریفی مبسوط از سوسید و انواع آن و بررسی اهداف دولت‌ها در پرداخت سوسید و همچنین مقایسه کشورهای در ارائه سوسیدهای لازم؛ به مسئله سوسید در ایران می‌پردازد. سؤالاتی که نویسنده سعی دارد به آن پاسخ گوید، عبارتند از: علل پیدایش و گسترش سوسید، قبل از انقلاب اسلامی؛ رابطه سوسید با الگوی مصرف و میزان واردات، اهداف سوسید در بعد از انقلاب و نهایتاً به مسئله حذف سوسیدها و پیامدهای اجتماعی در شرایط فعلی اقتصادی-اجتماعی کشور پرداخته است. نویسنده قطع سوسیدها را در شرایط فعلی جامعه مناسب نمی‌بیند؛ بلکه «منطقی کردن سیستم پرداخت سوسید» را پیشنهاد می‌کند.

وی در انتها: بدتر شدن وضع خانوارهای کم درآمد و به اجبار تغییر الگوی مصرف آنها از مواد پروتئینی به مواد نشاسته‌ای، افت کارایی نیروی انسانی، نارضایتی‌های اجتماعی، توزیع درآمد نابرابر و ... را از پیامدهای منفی حذف سوسید در این مرحله، از شرایط جامعه عنوان می‌کند.

یکی از مهم‌ترین بحث‌های دهه ۱۹۸۰، پیرامون اثرهای برنامه‌های اصلاح ساختار اقتصادی بر فقرای کشورهای در حال توسعه بوده است. برخی از محققان بر این نظرند که فقرا رنج بسیاری را به علت این برنامه‌ها تحمل کرده‌اند. تحقیقات یونیسف نشان داده است که اجرای این برنامه‌ها، اثرات مخربی بر منابع انسانی، به خصوص فقرا داشته است (Jolly 1985). در صورتی که عده‌ای برین عقیده‌اند که احتمالاً شرایط زندگی فقرا، بدون اجرای برنامه‌های اصلاح ساختاری، بدتر از آنچه که هست، می‌شد (Lyn 1991).

برنامه‌های اصلاح ساختار اقتصادی، شامل دگرگونی مهمی است، مانند آزادسازی واردات، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، کاهش ارزش پول، واگذاری فعالیتها به بخش خصوصی، عدم کنترل قیمتها، کاهش هزینه‌های دولت و غیره. نتایج کاهش و یا حذف کمکهای دولت به بخش‌های اجتماعی (تغذیه، بهداشت، آموزش و ...) توسط کسانی که در مسائل انسانی و اجتماعی تخصص بیشتری داشته‌اند، مورد بحث قرار گرفته است (Behrman 1991)؛ زیرا سوسید مواد غذایی و سیاست تأمین غذا با بهای کم، غالباً اولین قربانیان اصلاح ساختار اقتصادی هستند و شواهد بسیاری نیز وجود دارد که حذف سوسید مواد غذایی، بر زندگی فقرا در شهر و روستا، اثرات زیانباری داشته است (Pinstiup-Anderson, 1985, 1986, 1988) - هر چند که هنوز یک قانون کلی در این مورد به دست نیامده است. به جهت کسب دیدی وسیعتر نسبت به ایجاد

نویسنده: دکتر ژاله شادی طلب



اجتماعی برنامه اصلاح ساختاری در کشور، به قسمتی از این برنامه، حذف یا کاهش سوسیدها و پیامدهای اجتماعی آن نمی‌پردازیم. هدف از این بحث، شناخت دلایل هدفهای پرداخت سوسید - در سالهای قبل و بعد از انقلاب اسلامی - و پیامدهای اجتماعی کاهش سوسید در شرایط کنونی کشور ماست.

حال سعی خواهد شد که به سؤالاتی اساسی زیر پاسخ داده شود:
- علل پیدایش و گسترش سوسید، قبل از انقلاب اسلامی چه مقوله‌ای بوده است؟
- سوسید چه رابطه‌ای با الگوی مصرف و میزان واردات کشور داشته است؟
- پرداخت سوسید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با چه هدفهایی ادامه یافته است؟
- میزان سوسید و منابع تأمین اعتبار آن چه تغییری کرده است؟

- در صورت حذف سوسیدها، پیامدهای اجتماعی آن در شرایط فعلی اقتصادی-اجتماعی کشور، چه خواهد بود؟
- و نهایتاً میزان آسیب‌پذیری گروههای مختلف اجتماعی، در مقابل چنین سیاستی چقدر است؟

قبل از شروع بحث، ضمن ارائه مقدمه‌ای در مورد دلایل پرداخت سوسید از طرف دولتها، به تعریف مفهوم سوسید و مقایسه‌ای بین ایران و کشورهای به اصطلاح پیشرفته، در زمینه پرداخت سوسید می‌پردازیم.

دخالت دولت در اقتصاد و امور جامعه گذشته‌های دور مطرح بوده است؛ ولی در دهه‌هایی از تاریخ، جانبداری از دخالت دولت یا چگونگی و میزان آن در امور جامعه، کمزور یا بیشتر شده است. وقوع جنگها، دولتها را غالباً به دخالت بیشتر در امور جامعه سوق می‌دهد. زمانی کاهش نابرابریها و برخورداری از امکانات یک جامعه - نه به قصد تأمین نیازهای اساسی بلکه به منظور جلوگیری از شورشها و تنشهای اجتماعی - دولت را وادار به پرداخت سوسید دخالت در امور اقتصادی می‌کند.

بنابراین سوسید یکی از ابزارهای مدد دولت در سیستم اقتصادی و اجتماعی جا است، زمانی که ارزش اجتماعی یک کار فعالیت، بیشتر از هزینه‌های اقتصادی آن یا دولت برای رفع چنین اختلافی، نسبت به پرد

سوسید

توان مابه‌التفاوت‌ها، از جمله سوسید اقدام می‌کند. بدین ترتیب سوسیدها در واقع دخالت دولت در تنظیم نوسانهای قیمت‌ها - به سود مصرف‌کننده یا تولیدکننده - است؛ به خصوص، هنگام کاهش قدرت خرید گروههای خاص اجتماعی در جامعه.

بدین ترتیب مفهوم سوسید که گاهی از آن به «زیان کرد» نیز یاد می‌شود، یک نوع حمایت دولت از یک طبقه خاص یا گاهی اکثریت جامع است. سوسید ابزاری است برای رفع نواقص عرضه و تقاضا؛ ولی به طور یقین داری نتایجش همه دردهای اقتصادی - اجتماعی جامعه نمی‌تواند باشد.

پرداخت سوسید در حد نهایی، اگر به نحو مطلوبی اجرا شود، می‌تواند جزئی از مجموعه سیاستهای پولی و مالی دولت باشد. حمایت دولت به صورت تحمیل زیان کرد، و یا پرداخت سوسید در تمام سیاستهای اقتصادی دنیا وجود دارد، و تنها میزان و نحوه پرداخت این سوسیدها با هم متفاوت است.

همه سیستم‌ها با هر درجه‌ای از پیشرفت اقتصادی، ضرورت وجود دخالت دولت را بر جامعه، در میزانهای متفاوت، پذیرفته‌اند - تنها درجه دخالت و شکلهای آن فرق می‌کند. دولت به اعتبار حفظ منابع کشور و منافع ملت می‌تواند در سیستم اقتصادی جامعه دخالت کند. به طور بنیادین کمکهای دولت و هر گونه سیاست پرداخت سوسید، باید با اهداف کلی توسعه کشور هماهنگ باشد؛ چون در غیر این صورت بجز هزینه‌های سنگین، نتیجه دیگری برای دولت و جامعه به دنبال نخواهد داشت.

نفاهم

کمکهای دولت را به اعتبار اینکه در چه مرحله‌ای - از تولید تا مصرف - پرداخت می‌شوند، می‌توان به سوسیدهای تولیدی یا مصرفی تقسیم کرد. کمکهای تولیدی، به منظور حمایت از گروه اجتماعی تولیدکنندگان - به طور مستقیم یا غیرمستقیم - پرداخت می‌شود؛ به طور مثال استفاده کشاورزان از پژوهشها و خدمات کشاورزی و یا فروش کودشیمیایی را می‌توان نام برد. کمکهای مصرفی با هدف حمایت از گروههای اجتماعی مصرف‌کننده

پرداخت می‌شود؛ به طور نمونه فروش بنزین یا نفت، با قیمتی کمتر از قیمت تمام شده را می‌توان عنوان کرد.

سوسیدها می‌توانند در مورد کالا یا خدمات خاصی باشند، مانند فروش گوشت - ارزانتر از قیمت تمام شده - و یا تغذیه ارزان قیمت؛ به طور مثال تأمین غذای ارزان‌تر برای دانشجویان از انواع سوسیدهای خدماتی است.

سوسیدها گاهی به عنوان کمکهای توسعه‌ای، دسته‌بندی می‌شوند و به منظور تقویت زیربنای فرهنگی - اجتماعی کشور پرداخت می‌شوند. مانند اعطای کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان داخل و خارج از کشور.

گروه‌بندی سوسیدهای مختلف می‌تواند با هم نیز همراه شوند؛ مثلاً تثبیت قیمت گوشت، کمکی اقتصادی است، ولی به دلیل تأمین نیازهای تغذیه‌ای خانواده، کمکی اجتماعی - رفاهی و مصرفی نیز محسوب می‌شود.

نکته‌هایی که توجه به آنها در پرداخت سوسیدها حائز اهمیت است، عبارتند از:

۱ - انتخاب کالاهایی که باید مشمول سوسید شود.

۲ - میزان کمکهایی که برای هر یک از این کالاهای یا خدمات باید پرداخت شود.

۳ - تعیین اولویت طبقات اجتماعی که از کمک برخوردار می‌شوند.

به طور کلی هماهنگی کمکهای دولت، با اهداف کوتاه و بلند مدت، بسیار مهم است. به طور مثال تأمین نیاز مصرف‌کنندگان، از طریق افزایش واردات و ارائه آن به قیمت ارزان، یک هدف کوتاه‌مدت است که با اهداف بلند مدت در زمینه افزایش تولید داخلی و کاهش وابستگی به خارج، می‌تواند مغایر باشد. این مسئله به خصوص در کشور ما با ظرفیتهای تولیدی بالقوه خوبی که دارد، بسیار مهم است.

تعریف سوسید

سوسید عبارت است از پرداختهای انتقالی که جهت جبران قسمتی از قیمت کالاها یا خدمات، به منظور افزایش قدرت خرید مصرف‌کننده و یا افزایش قدرت فروش تولیدکننده و کنترل آثار منفی آن - توسط دولت - صورت می‌گیرد.

با این تعریف متوجه می‌شویم سوسیدها، پرداختهایی اعتباری هستند که از طرف دولت به جامعه ارائه می‌شود. سوسیدها را به دو دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد:

۱) سوسیدهای مستقیم

۲) سوسیدهای غیرمستقیم

سوسیدهای مستقیم، کمکهایی است که دولت برای جبران زیان عملیاتی شرکت‌های عمومی پرداخت می‌کند و سوسیدهای غیرمستقیم، در واقع کمکهایی بلاعوض کالا یا خدمات است. کمکهای مصرفی، تولیدی، خدماتی، مجموعه سوسیدهای غیرمستقیم را تشکیل می‌دهد.

موضوع بحث ما، پیامدهای کاهش سوسیدهای غیرمستقیم است؛ یعنی سوسیدهای مصرفی، تولیدی و خدماتی.

اهداف دولت در پرداخت سوسید

۱ - مهمترین هدف قابل تصور برای پرداخت زیان کرد، حمایت از تولیدکننده‌هایی است که تولیدات آنها مورد نیاز جامعه است؛ ولی به عکس هزینه تمام شده واقعی این تولیدات، با قیمت‌های تضمینی یا تثبیتی تطبیق نمی‌کند؛ درین صورت انتظار می‌رود پرداخت زیان کرد، تولیدکننده را به ادامه تولید تشویق کند.

۲ - هدف سوسید می‌تواند کمک رفاهی به گروه خاصی از مصرف‌کنندگان و تعدیل درآمد گروههای اجتماعی در جهت افزایش سهم نسبی طبقات کم درآمد باشد؛ در نتیجه می‌تواند به تراز رفاه اجتماعی و کاهش اختلاف درآمدها در شهر و روستا منتهی شود.

۳ - پرداخت سوسید می‌تواند به منظور تصحیح الگوی مصرف و تشویق مصرف کالاهایی - که امکان تولید آن در کشور فراهم است - اختصاص داده شود، یا در جهت حذف کالاهایی که گسترش مصرف آنها اساساً ضرورتی ندارد، مورد استفاده قرار گیرد.

۴ - پرداخت سوسید می‌تواند برای مقاومت در برابر رقابتهای خارجی، به صورت شکستن مصنوعي و موقت قیمت (Dumpings) باشد، که این مسئله در سطح جهانی بسیار مطرح است.

۵ - سوسید می‌تواند به منظور حمایت از

پیامدهای اجتماعی آن

**مقایسه روند تغییرات سوبسید سرانه در سه کشور
به اصطلاح توسعه یافته (به دلار آمریکا)**

	انگلستان	امریکا	ژاپن	
	۵۶۸	۳۳۲	۳۲۸	۱۹۷۲
	۱۲۵۷	۱۷۶	۶۶۰	۱۹۷۴
	۱۱۲۶	۲۶۶	۶۵۲	۱۹۷۶
	۱۲۵۷	۴۲۸	۱۱۲۲	۱۹۷۸
	۲۲۱۸	۴۷۱	۱۳۷۰	۱۹۸۰
	۱۷۱۱	۶۶۳	۱۳۰۱	۱۹۸۲
میانگین دوره	۱۳۶۶	۳۸۰	۹۱۴	

**مقایسه میزان سوبسید دریافتی تولیدکننده های
مواد غذایی، از محل حمایت های قیمت و سایر
عملکردهای دولت (۸۵ - ۱۹۸۴)**

	برنج	گندم	شیر	ژاپن
	%۷۹٫۱	%۷۹٫۱	%۲۳	
امریکا	%۳۵٫۷	%۱۷٫۲	%۲۱	

**مقایسه میانگین درصد سوبسید نسبت به کل مخارج و سوبسید سرانه واحد
(به دلار آمریکا)**

نام کشور	دوره مطالعه	میانگین درصد سوبسید نسبت: کل مخارج دولت (به درصد)	میانگین سوبسید سرانه
انگلستان	۱۹۷۲-۸۲	۵٫۶	۱۳۶۵۸
ژاپن	۱۹۷۲-۸۲	۵٫۳۵	۹۱۴۲
امریکا	۱۹۷۲-۸۲	۲٫۲۷	۳۸۰۴
ایران	۱۹۷۲-۸۱	۴٫۷۸	۳۱۸۸
آرژانتین	۱۹۷۳-۸۰	۵٫۰۵	۲۵۸۶
الجزایر	۱۹۷۲-۷۹	۶٫۲۶	۲۵۱۶
زیمبابوه	۱۹۷۲-۸۱	۱۲٫۱۴	۱۷۷۸
کره جنوبی	۱۹۷۲-۸۱	۵٫۴۵	۱۲۰۸
هندوستان	۱۹۷۲-۸۱	۱۱٫۲۸	۳۶۴

می شود، روندی صعودی و فزاینده است.

دولتها چه سهمی از مخارجشان را به
سوبسید اختصاص می دهند

کشور انگلستان ۶ درصد، ژاپن ۵٫۳۵ درصد، امریکا ۲٫۲۷ درصد، آرژانتین ۵ درصد، الجزایر ۶٫۲۶ درصد، کره جنوبی ۵٫۴۵ درصد و هندوستان ۱۱ درصد از مخارج دولت را به پرداخت سوبسید اختصاص داده اند؛ بدین ترتیب کشورهای کم توسعه یافته، سهمی بالاتر از ۵ درصد را برای پرداخت سوبسید در نظر گرفته اند.

در کشورهای پیشرفته، به هیچ وجه روند نزولی را طی نکرده است.

ژاپن برای حمایت از تولیدکننده هایش - به طور مثال تولیدکننده های شیر، ۲۳ درصد از قیمت تولیدکننده را به صورت سوبسید پرداخت می کند. همچنین در مورد برنج و گندم، ۸۰ درصد از قیمت تولیدکننده را می پردازد. امریکا برای گندم ۱۸ درصد و برای برنج ۳۶ درصد قیمت تولیدکننده را سوبسید پرداخت می کند؛ بنابراین به هیچ وجه پرداخت سوبسید به کشورهای کم توسعه یافته اختصاص ندارد، این روند که در کشورهای پیشرفته نیز مشاهده

سرمایه گذاریها در امور تولیدی پرداخت شود.
۶- توسعه صادرات و حفظ یک بازار صادراتی می تواند از دیگر اهداف سوبسید باشد.
کدامیک از این هدفها را کشور ما قبل و بعد از انقلاب اسلامی، دنبال کرده است؟ قبل از رسیدن به این هدفها، باید بدانیم کشورهای دیگر دنیا با سوبسیدها چه می کنند؟ کشورهای به اصطلاح توسعه یافته، چه میزان سوبسید پرداخت می کنند؟ و ما در مقایسه با آنها در چه وضعی قرار داریم؟ به طور یقین در این مقایسه، اختلافهای اساسی در شیوه زندگی و فلسفه اجتماعی حکومتها را نباید نادیده گرفت؛ همچنین به تفاوتهایی که در منابع تأمین درآمد و هزینه های دولت وجود دارد نیز باید توجه داشت.

مقایسه کشورها

بر خلاف تصور عمومی که وجود زیان کردها را تنها به کشورهای در حال رشد نسبت می دهد؛ بررسیها نشان می دهد که کشورهای پیشرفته - به معنای مادی و نه لزوماً فرهنگی و معنوی - نظیر امریکا و انگلیس نیز مقادیر قابل توجهی زیان کرد می پردازند، که تمام یا قسمتی از آن، برای مبارزه با آثار تورم و تأمین رفاه جامعه صورت می گیرد.

کشور امریکا به دلیل مازاد تولید مواد غذایی، نیاز به پرداخت سوبسید در مورد مواد غذایی ندارد، هر چند که فقرا و بیکاران در این کشور از مواد غذایی استفاده می کنند.
کشور انگلستان، سوبسید سرانه اش را از ۴۰ دلار در سال ۱۹۶۸، به ۱۲۶ دلار در ۱۹۷۲، افزایش داده است و برای مقابله با رکود در سالهای تورم و خنثی کردن اثرات آن بر روی مواد غذایی، -مانند شیر، کره، پنیر، چای و...- سوبسید پرداخت کرده است.

سوبسید سرانه سوئد در سال ۱۹۸۰، تنها ۱۰ دلار بوده است که در سال ۱۹۷۲، به ۱۳۷ دلار افزایش پیدا کرده است. اسرائیل در دهه ۷۰، بالاترین رقم سوبسید در دنیا (رقم ۴۰۳ دلار سرانه) را دارد و سویس بیشترین سوبسید را به تولیدکننده های شیر و گوشت پرداخت می کند.

در دهه ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۲ -طی ده سال- سوبسید سرانه در ژاپن، از ۳۳ دلار به ۱۳۰ دلار افزایش یافته و در همین دهه، امریکا، سوبسید سرانه از ۳۳ دلار به ۶۶ دلار افزایش پیدا کرده است. در انگلیس این رقم در همان دهه، از ۵۱ دلار به ۱۷۱ دلار افزایش داشته است؛ بدین ترتیب ملاحظه می شود میزان پرداخت سوبسید

ایران در دهه ۷۲ تا ۸۲، حدود ۵ درصد از معارج دولت را به پرداخت سوبسیدها اختصاص داده است که در مقایسه با میانگین سوبسید سرانه، از کشورهای توسعه یافته کمتر است؛ اما در مقایسه با کشورهای در حال توسعه، رقم نسبتاً بالایی به عنوان سوبسید سرانه پرداخت می شود.

خلاصه کلام آن است که پرداخت سوبسید، اختصاص به ما و کشورهای فقیر ندارد؛ آنچه که متفاوت است، هدف این پرداخت در کشورهای توسعه یافته و کم توسعه یافته است. در کشورهای توسعه یافته، هدف از پرداخت سوبسید، حفظ قیمتها، با توجه به بازار انبوه این کالاهاست. به نور مثال مازاد تولید کره و شیر در بازار مشترک جهانی، موجب پرداخت سوبسید برای کاهش تولید این مواد شده است؛ چرا که عرضه این کالاها در سطح جهانی موجب کاهش قیمت آنها می شود.

بنابراین کشورهای پیشرفته - برای جلوگیری از کاهش قیمتها در بازارهای جهانی - به تولیدکننده های خود سوبسید می دهند که تولید نداشته باشند؛ ولی به هر حال حجم سوبسیدها به طور فزاینده رشد کرده و حمایت دولت از تولیدکننده ها و مصرف کننده ها، یک روند مودری را طی کرده است.

کشورهای به اصطلاح توسعه یافته، در اثر پرداخت سوبسید در دنیا از دو مزیت برخوردار می شوند. یکی آنکه آنها بر کالاهایی که مردشان قادر به تولید نیستند، تعرفه های گمرکی سنگین می بندند - به طور مثال بر روی قهوه، که خود کشورهای توسعه یافته، تولیدکننده اش نیستند. از طرف دیگر همین کشورها به تولیدکننده های خودشان در مورد کالایی که کشورهای کم توسعه یافته هم می توانند تولید کنند، سوبسید پرداخت می کنند (مثل گندم شکر). در نتیجه، قیمتها آنقدر پایین آورده می شود که کشورهای کم توسعه یافته، قادر به رقابت با آن کالاها نیستند؛ یعنی برای آنکه تولید گندم را پایین نگه دارند، از محل تعرفه های ریافتی از روی قهوه به تولیدکننده های گندم، بر و پتیر سوبسید پرداخت می کنند که تولیدکننده ها؛ بنابراین، سؤال این است که چرا کشورهای پیشرفته صنعتی (ژاپن در صدر این سوره است، بعد انگلستان و آمریکا) امروزه بیشترین میزان سوبسید را پرداخت می کنند؛ ولی کشورهای کم توسعه یافته توصیه می شود که سوبسیدها را حذف کنند؟ جوابش را احتمالاً در جابجایی مزیتها جستجو کرد؛ زیرا مزیتهایی نسبی اقتصادی، جای خود را به

مزیت های نسبی سیاسی داده و سوبسید هم از این قضیه جدا نیست. خوب ببینیم ما چه کردیم؟ ما قبل از انقلاب چگونه، چرا و با چه هدفی سوبسید پرداخت می کردیم و بعد از انقلاب چرا این راه را ادامه دادیم؟

سوبسید در ایران

شروع جنگ بین الملل دوم، در حقیقت سر آغاز پرداخت سوبسیدها به مفهوم امروزی آن است؛ زیرا محدودیتهای شدید منابع و توجه دولتها به بخشهای خاص، موجب دخالت دولت در بازار شده است. سابقه سوبسید در ایران به دوران جنگ جهانی دوم برمی گردد که دولت برای تأمین نان با بهای کم، اقدام به خرید گندم از کشاورزان و تحویل آن به نانوایان با قیمت ارزان تر کرد.

موضوع این مقاله پنج سال قبل از انقلاب - سالهای ۵۰-۱۳۵۶- است - که در صنعت مصادف با دگرگونی های اساسی در منابع درآمدی دولت است - و سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی است.

در سالهای قبل از انقلاب اسلامی

اقتصاد ایران از افزایش درآمد نفت (سالهای ۵۳-۱۳۵۲) از متوسط رشد سالانه ای بیش از ۱۰ درصد، و تورم کمتر از ۲ درصد برخوردار بوده است. افزایش دریافت های بخش نفت این تصور را در دهه قبل از انقلاب تغییر داد و متوسط نرخ رشد اقتصادی ایران از ۱۰ درصد، به رقم خارق العاده ۳۹ درصد رسید. درآمد نفت که به طور متوسط تا سال ۱۳۵۰، حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی کشور را تشکیل می داد، در سال ۱۳۵۲ نزدیک به ۳۲٪ و در سال ۱۳۵۳، ۴۷٪ تولید ناخالص ملی را تشکیل داده است. ویژگی هایی اجتماعی - اقتصادی این دوره عبارتند از:

- افزایش سریع در آمد نفت
- افزایش قیمتها در سطح بین المللی
- وجود تنگنای تولیدی و زیربنایی
- آثار انبساطی عملیات و سیاستهای پولی و مالی (افزایش حجم پول و اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی)
- افزایش قدرت خرید عامه
- تقاضای مؤثر خرید آنها از لحاظ سیر قیمتها
- پیدایش تورم
- نیمه اول دهه ۵۰-۱۳۶۰ را به کلی می توان

از دهه ۴۰-۱۳۵۰ متمایز کرد. گسترش سریع تقاضا، تحت تأثیر افزایش درآمد نفت و حجم پول و اعتبارات در ایران، و فشار هزینه ها، موجب تسریع آهنگ تورم در ایران شد.

شدیدترین نوسان قیمتها و بالاترین میزان افزایش آن، در خوراکی، پوشاک، مسکن و اثاثیه خانه بود. در میان خوراکیها، شدیدترین نوسانات (پس از میوه ها و سبزیها که جنبه فصلی دارد) به ترتیب در گوشت، مرغ و ماهی، نان و برنج، لبنیات، تخم مرغ و روغنهای نباتی و حیوانی وجود داشته است.

دقت در همین موارد، نشان می دهد که چرا گندم و نان، گوشت قرمز و مرغ، تخم مرغ، پنیر، برنج و دانه سویا برای تهیه روغن نباتی، مشمول برنامه سوبسید شده است. بنابراین اقلام انتخاب شده، منشأ بزرگترین مشکل در شاخص بهای کالاهای کشور بوده اند، و از دید مصرف کننده، این اقلام ضروری و بر رفاه نسبی او نیز مؤثر بوده است.

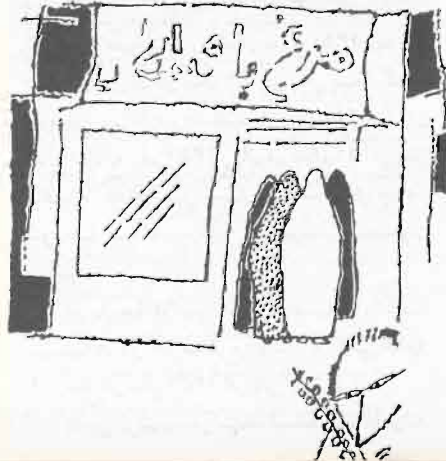
در برابر افزایش قیمتها - بخصوص در مواد خوراکی - سه راه وجود داشت:

- اتکا بر مکانیسم عرضه و تقاضا و عدم مداخله.

- افزایش عرضه داخلی کالاها، با مکانیسم بازرگانی خارجی؛ چون امکان افزایش عرضه داخلی را با اتکا بر منابع داخلی در کوتاه مدت دشوار و غیرقابل تحقق می دیدند.

- افزایش عرضه داخلی کالاها از راه تولید داخلی،

راه اول، افزایش شدیدتر قیمتها را به دنبال خود می داشت. راه دوم، موقتاً عرضه داخلی را برای جلوگیری از بالا بردن قیمتها، افزایش می داد و در نتیجه رشد قیمتها را کنترل می کرد. راه سوم، می بایست با سایر سیاستها و برنامه ها هماهنگ شود تا بتواند اهداف بلندمدت را دنبال کند.



کل سوبسید غیرمستقیم (میلیارد ریال)	سوبسید سرانه غیرمستقیم (ریال)
۱۳۵۲	۲۵۸
۵۳	۱۹۷۰
۵۴	۳۵۰۹
۵۵	۲۵۲۱
۵۶	۲۳۵۶
۵۷	۱۱۷۱

درصد سوبسید پرداختی به کل مخارج دولت در کشور ایران

کل مخارج دولت (میلیارد ریال)	درصد سوبسید به کل مخارج
۱۳۵۱	۱٫۰۱
۱۳۵۲	۳٫۱۷
۱۳۵۳	۳٫۲۹
۱۳۵۴	۴٫۱۶
۱۳۵۵	۳٫۹۰
۱۳۵۶	۳٫۸۴
۱۳۵۷	۳٫۰۲

دولت برای خود وظیفه تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از افزایش بی‌رویه آنها را قائل بود؛ به همین علت راه دوم را برگزید. انتخاب این راه در آن زمان، این گونه توجیه می‌شد که انتخاب راه سوم - یعنی تأکید بر تولید داخلی - به زمان طولانی تری احتیاج دارد و اجرای آن در کوتاه مدت موجب تحمیل فشار بر جامعه خواهد بود. راه اول نیز فشار را بر گروه‌های کم درآمد تحمیل خواهد کرد.

با انتخاب راه دوم، این سؤال مطرح شد که کالاهای وارداتی، با چه قیمتی باید در دسترس مصرف کننده قرار گیرد؟ در صورتی که به قیمت تمام شده وارداتی ارائه می‌شد، به دلیل افزایش قیمت‌های جهانی، باز هم مردم با افزایش قیمت‌ها مواجه می‌شدند؛ بنابراین دولت برای جلوگیری از افزایش شدید قیمت‌ها، تصمیم به پرداخت زیان کرد یا سوبسید گرفت (تفاوت جهانی خرید و فروش) و این سیاست را علاوه بر کالاهای وارداتی خاص، به کالاهای حساس تولید داخلی، مانند گندم داخلی، قند، شکر و سیمان (به دلیل افزایش قیمت‌های مسکن در بخش ساختمان) تعمیم داد.

بدین ترتیب از دو استراتژی، رشد زیاد با مقداری تورم، و رشد کم بدون تورم، دیدگاه رشد زیاد با تورم و اقتصادی دیدن توسعه - متکی بر فلسفه سرمایه‌داری ارشادی - حاکم شد.

با انتخاب راه اول، در اقتصادی که اساس آن را مکانیسم بازار آزاد تشکیل می‌داد، دولت آگاهانه نقش تنظیم کننده بازار و ارشاد کننده را برای خود قائل شد. به همین دلیل در طول برنامه عمرانی پنجم کشور، افزایش درآمد نفت از یک طرف و افزایش قیمت‌های جهانی، در مورد بسیاری از کالاهای مصرفی (تورم در غرب) و نارسایی تولیدات داخلی که با سرعت افزایش درآمد سرانه و رشد تقاضای داخلی هماهنگی نداشت، موجب افزایش چشمگیر حجم سوبسیدهای پرداختی شد. کل سوبسیدهای پرداختی دولت، از رقم ۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۱، به ۶۷ میلیارد ریال در سال ۵۶ افزایش پیدا کرد. سوبسید سرانه غیرمستقیم، از رقم ۲۵۸ ریال در سال ۵۱، به رقم ۲۳۵۶ ریال در سال ۵۶ افزایش یافت - که افزایش بسیار چشمگیری چه در سوبسید سرانه و چه در کل سوبسید محسوب می‌شود.

در نتیجه افزایش حجم سوبسیدها، درصد سوبسیدها در کل مخارج دولت، به رقمی حدود ۴ درصد در سال ۱۳۵۶ افزایش پیدا کرد. بدین ترتیب، در نتیجه تسلط دیدگاه رشد

سریع اقتصادی بر کشور، پرداخت زیان کردها، به عنوان تابعی از درآمد نفت، افزایش تقاضا را به دنبال داشت و الگوی مصرف جامعه را به کلی دگرگون کرد.

کاملاً واضح است که همپای افزایش مصرف، تولید حرکتی نمی‌کند. تولید در تمام محصولات استراتژیک عقب مانده است؛ به طوری که وقتی مصرف سرانه گوشت، حدود ۲۲ کیلو است، تولیدی حدود ۱۷ کیلو را به دنبال دارد. برنج ۴ کیلو مصرف می‌شود، ولی تولید آن ۳ کیلو است؛ بنابراین هر چه از سالهای ۱۳۵۰ به ۱۳۵۶ نزدیک می‌شویم، فاصله بین تولید و مصرف زیاد می‌شود - که از طریق واردات این اختلاف جبران می‌شود.

تغییر الگوی مصرف و حرکت به سوی مصرف مواد پروتئینی حیوانی در سالهای قبل از انقلاب کاملاً چشمگیر است. به طوری که مصرف گوشت مرغ ۳ برابر، تخم مرغ ۲ برابر و گوشت قرمز بیش از ۲ برابر می‌شود؛ البته اینها به معنای اینکه پروتئین حیوانی بیش از نیاز مصرف می‌شده، نیست. مطابق تحقیقی که در سال ۱۳۵۵ در مورد تغذیه در ایران صورت

گرفته است، برآورد شده که حتی با افزایش مصرف، در حال حاضر تنها ۳۰٪ نیازهای جمعیتی به مواد پروتئین حیوانی تأمین می‌شود. یعنی افزایش مصرف به معنای افزایش بیش از حد لازم نیست و هنوز مردم در کسب پروتئین مورد نیاز با کمبود مواجه هستند. بنابراین با ۲۲ کیلو گوشت قرمز و ۴ کیلو گوشت مرغ، ۵ کیلو تخم مرغ و ۱۶۳ کیلو گندم در سالهای قبل از انقلاب، هنوز ۵۰ تا ۶۰ درصد از پروتئین حیوانی مورد نیاز مردم تأمین نشده است.

به هر حال این تغییر الگوی مصرف، به دلیل عدم حرکت بخشهای تولیدی، کشور را به واردات مواد غذایی متکی کرد؛ به صورتی که موازنه صادرات و واردات در بخش کشاورزی، به شدت منفی می‌شود و کسری موازنه صادرات و واردات بخش کشاورزی که در سال ۱۳۴۸، یک میلیارد ریال بود، در سال ۱۳۵۵ به رقم ۸۳ میلیارد ریال رسید؛ بنابراین این واردات با این تغییر الگوی مصرف، ما را در بخش کشاورزی، با کسری بودجه حدود ۸۳ میلیارد ریال مواجه می‌کند.

منابع تأمین اعتبار سوبسیدها از کجا بوده

است؟ در سالهای قبل از انقلاب، سویسید از محل بودجه عمومی دولت و در واقع از محل درآمدهای نفتی پرداخت می شده است؛ بنابراین آنچه به عنوان سرمایه گذاری ملی باید استفاده می شد، صرف تأمین مرغ، گوشت و تخم مرغ شده است - به طور یقین طی این راه خطا بوده است.

این سویسیدها بیشتر به مصرف کننده پرداخت می شد یا به تولید کننده؟ اطلاعات و ارقام نشان می دهد که از کل سویسیدهای قبل از انقلاب، حدود ۸۶ درصد به مصرف کننده ها و نزدیک به ۱۳ درصد به تولید کننده ها تعلق می گرفت.

با توجه به اهداف پرداخت سویسید با این ارقام، روشن است که هدف دولت بیشتر حمایت از مصرف کننده ها بوده است؛ بخصوص با توجه به توزیع سویسید در شهرها و روستاها مشخص می شود که هدف حمایت از مصرف کننده ها در شهرهاست. در نتیجه با افزایش درآمد نفت و افزایش تقاضا، میزان پرداخت سویسید سرانه، حدود ۱۰ برابر و سهم سویسید از کل بودجه دولت، به ۴ درصد افزایش یافته است. در کنار هدف حمایت از مصرف کننده، باید بعد سیاسی را هم به قضیه اضافه کرد، یعنی که حمایت از مصرف کننده شهری، به شکلی وظیفه کنترل نش های اجتماعی آن دوره را نیز انجام داده

است.

بعد از انقلاب چه اتفاقی افتاده است و چرا ما پرداخت سویسیدها را ادامه دادیم؟

پرداخت سویسید پس از انقلاب اسلامی

هدف پرداخت سویسید، بعد از انقلاب، با قبل از انقلاب به کلی متفاوت است. در سالهای بعد از انقلاب، تأکید بر عدالت اجتماعی و کاهش نابرابریها در جامعه، با دیدگاه دگرگون ساز در توسعه - دیدگاهی که همه چیز را می خواسته از نو بسازد و خود بسازد - سعی شد که سویسیدها، برای حمایت از مستضعفان پرداخته شود؛ به صورتی که پرداخت سویسیدها که در سال ۵۸، رقمی حدود ۸۰ میلیارد بود، در سال ۶۸ به قیمت های جاری، به رقم ۱۷۰ میلیارد ریال افزایش پیدا کرد. برآورد سال ۶۹، رقمی معادل ۳۲۰ میلیارد ریال است؛ بنابراین بار مالی پرداخت سویسیدها تا سال ۶۸، بیش از ۲ برابر شده است. پس از انقلاب و آغاز جنگ، کاهش تولید ناخالص ملی و محدودیتهای موجود در ظرفیت بنادر، تأمین این نیازها را به شدت دشوار کرده بود.

در مجموع سویسیدهای پرداخت شده، ۲۸ درصد برای گندم، ۶ درصد از کل سویسیدها برای گوشت (در تهران و اصفهان) و ۲ درصد به

علوفه اختصاص داشته است. به طور کلی، در سالهای بعد از انقلاب کماکان پرداخت سویسیدها، حمایت از مصرف کننده است و یا اینکه به سوی حمایت از تولید کننده تغییر مسیر داده است؟

در مجموع آمار نشان می دهد که در سالهای بعد از انقلاب، سهم سویسیدهای تولیدی، از ۱۴ درصد به ۲۰٫۶ درصد افزایش و سهم سویسیدهای مصرفی از ۸۶ درصد به ۶۸ درصد کاهش یافته است؛ بنابراین چرخشی از طرف پرداخت سویسیدهای مصرفی به طرف سویسیدهای تولیدی دیده می شود؛ اما کماکان سویسیدهای مصرفی ۷۰ درصد از سویسیدهای غیرمستقیم را به خود اختصاص می دهند - که این رقم بالایی است.

در طی سالهای اخیر، تأمین اعتبار سویسید کالاهای اساسی، به جای درآمد نفت، از محل تعرفه های دریافتی از کالاهای وارداتی و افزایش بهای صنعتی برخی از کالاها، تأمین شده است. در حالی که میزان سویسیدهای پرداختی از ۸۰ میلیارد به ۱۷۰ میلیارد و احتمالاً ۳۲۰ میلیارد ریال در سال ۶۹ رسیده است؛ ولی سهم آن در کل مخارج دولت، از ۳ درصد به ۸ درصد افزایش نشان می دهد.

سویسید سرانه چه تغییری کرده است؟ سویسیدهای سرانه که متوسط آن در سالهای قبل از انقلاب، ۲۲۵۶ ریال بوده است، در سالهای بعد از انقلاب، به طور متوسط به ۲۲۰۰ ریال (به قیمت های جاری) رسیده است، در اینجا نقش رشد جمعیت و تورم بخوبی قابل لمس است؛ زیرا در عین حالی که قدر مطلق کل سویسیدها چهار برابر شده و سهم سویسید در کل مخارج دولت تقریباً ۲ برابر شده است؛ اما سرانه سویسیدها کاهش پیدا کرده است.

پیامدهای اجتماعی کاهش سویسیدها

حذف سویسیدها و کاهش هزینه های دولت در برنامه اول توسعه، در چهارچوب اصلاح ساختار اقتصادی مدنظر قرار گرفته است. پیامدهای اجتماعی این سیاست چه می تواند باشد؟ یکی از پیامدهای مهم، تغییر در وضعیت تغذیه گروه های اجتماعی است.

فراهم نمودن غذای مناسب برای جمعیت در حال رشد سریع کشور، یکی از جنبه های بسیار مهم توسعه است. تحقیقات ثابت کرده است در دنیا مناطقی که از لحاظ تغذیه بیشترین کمبودها را دارند، همانهایی هستند که از بالاترین نرخ



رشد جمعیت نیز برخوردارند.

پایین بودن سطح تغذیه در برخی از گروههای اجتماعی، لطمه بزرگی به نیروی تولید و کارآیی انسانها وارد می کند که حتی صرف نظر از مسئله انسانی، اگر قرار باشد که این گروه در رشد اقتصادی سهم و مؤثر باشد؛ باید به غذای بهتری از نظر تأمین نیازهای اساسی بدن، دسترسی داشته باشد. سوءتغذیه، نه به معنای گرسنگی کشیدن و از گرسنگی مردن؛ بلکه، معنای عدم دریافت مواد مورد نیاز بدن برای یک زندگی فعال و سازنده، از مشکلات اساسی کشورهای کم توسعه یافته است. تغذیه خوب بر کارآیی فردی انسانها و بر سالم سازی رفتارهای اجتماعی نیز مؤثر است. ثبات اجتماعی و حتی سیاسی جوامع، گاهی در گروی یک برنامه غذایی موفق است. اگر نارساییهای تغذیه را از لحاظ مواد پروتئینی در کشور، با الگوی قبل از انقلاب بپذیریم، به طور یقین این نارساییها در سالهای بعد از انقلاب بیشتر شده است. برای مثال مصرف گوشت قرمز، سالانه از ۲۲۰ کیلو به حدود ۱۰ تا ۱۱ کیلو کاهش یافته است.

بنابراین در الگوی مصرف مواد غذایی اساسی، از میزان مواد پروتئینی حیوانی کاسته و بر میزان مصرف مواد نشاسته‌ای افزوده شده است، مصرف مواد نشاسته‌ای در دراز مدت، به صلاح کارایی نیروی انسانی در هیچ کشوری نیست. بنابراین برای تأمین تقاضای مواد غذایی، هم باید تولید افزایش یابد و هم توزیع تولید به صورت درستی انجام گیرد. توزیع نامناسب، تنها بر تولید کننده، بلکه بر مصرف کننده نیز اثرات منفی می گذارد.

پیامدهای دیگر کاهش سوبسیدها، افزایش نابرابریهای اجتماعی است. با افزایش جمعیت و عدم رشد تولید مواد غذایی، به میزان این افزایش و یا حتی رکود تولید مواد غذایی، ساکنان بخش کشاورزی، به خریداران مواد غذایی مبدل می شوند که در گروههای کم درآمد، بزرگترین سهم هزینه‌ها را نیز به خود اختصاص می دهند.

ما هنوز در کشوری زندگی می کنیم که دودک فقیر این جامعه (۲۰ درصد خانوارها) کمتر از ۵ درصد درآمد ملی را به خود اختصاص داده‌اند؛ در حالی که دودک فنی بیش از ۵۰ درصد درآمد ملی را در اختیار دارند. با چنین توزیع درآمد نابرابر، و با توجه به سطح هزینه خوراکی روزانه، از پیامدهایی که می توان برای حذف سوبسیدها عنوان کرد، بدن شدن وضع خانواده‌ای کم درآمد و فقیر و بالاجبار تغییر الگوی مصرف آنها از مواد



تولید مصرف ۱۳۵۶		تولید مصرف ۱۳۶۶		
۴۲	۳۸	۱۴۱	۱۴۱	گشت مرغ (کیلو)
۴۶	۴۳	۲۰	۱۹۸	تخم مرغ (کیلو)
۲۱۹	۱۷۳	۱۱۶	۱۱۶	گوشت قرمز (کیلو)
۱۶۳	۱۳۷	۱۴۴	۱۴۵	گندم (کیلو)

پرداخت سوبسیدهای پس از انقلاب: (غیرمستقیم) * (به قیمت‌های جاری)

سزانه	میلیارد ریال	
۲۳۵۶	۶۵۷	۵۶
۱۱۷۱	۴۲۶	۵۷
۲۱۰۴	۷۹۲	۵۸
۹۵۰	۳۷۳	۵۹
۱۹۹۶	۸۱۳	۶۰
	۱۰۹۷	۶۱
	۱۰۶۰	۶۲
	۱۲۰۲	۶۳
	۱۱۶۳	۶۴
	۱۲۷۳	۶۵
	۹۷۹	۶۶
	۹۹۱	۶۷
	۱۲۰۷	۶۸
	۳۲۰	۶۹

* بدون صادرات

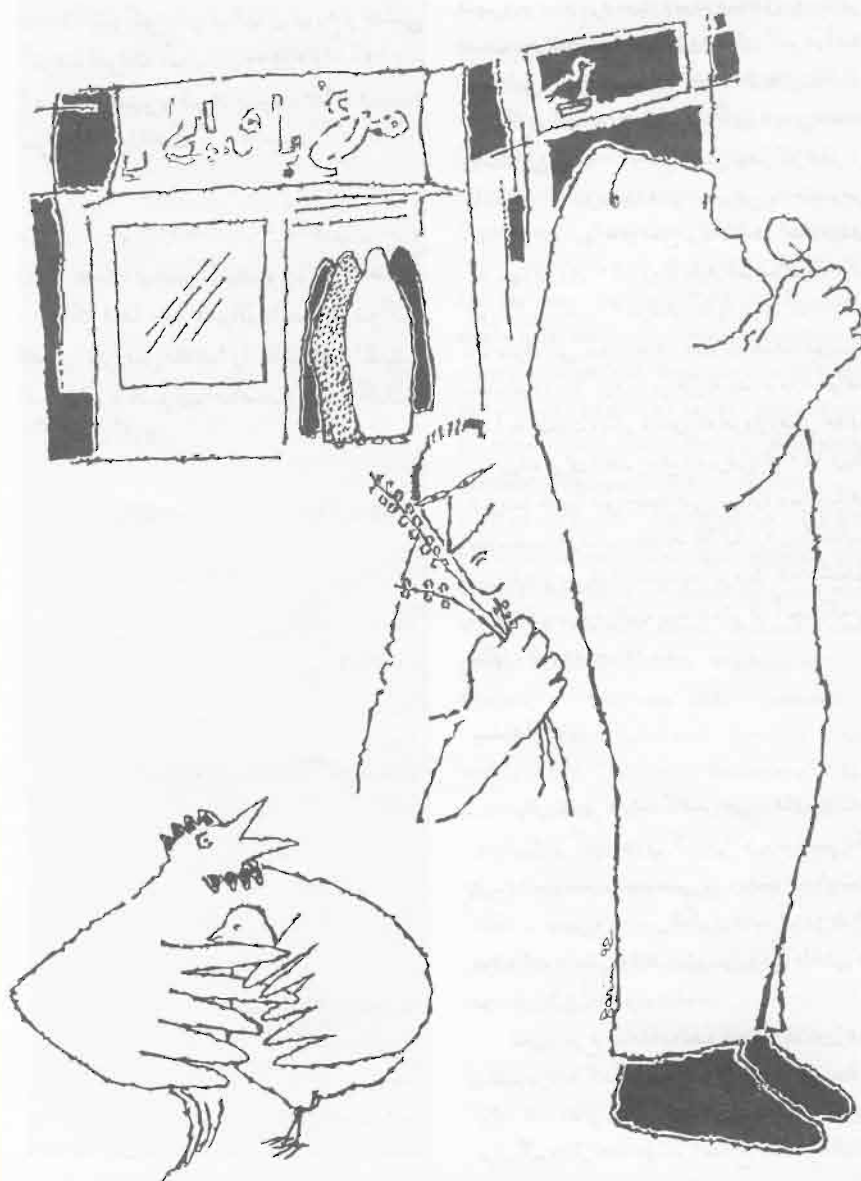
درصد سوبسید به کل مخارج دولت

ریال	۲۳۵۶	(درصد)	۳۸	۵۶
	۱۱۷۱		۳	۵۷
	۲۱۰۴		۶۴	۵۸
	۹۵۰		۶۴	۵۹
	۱۹۹۲		۸	۶۰
	۲۲۰۰			۶۸

گاهی کاهش نابرابریها و برخورداری از امکانات یک جامعه - نه به قصد تأمین نیازهای اساسی؛ بلکه به منظور جلوگیری از شورشها و تنش های اجتماعی - دولت را وادار به پرداخت سوبسید و دخالت در امور اقتصادی می کند.

به طور متوسط سال ۶۸ (سالهای بعد از انقلاب)	سال ۵۶	
حدود ۱۱ (کیلوگرم)	۲۲ (کیلوگرم)	مصرف گوشت قرمز سرانه سالانه
۴	۶۲	مصرف گوشت مرغ سرانه سالانه
۶	۶۶	مصرف تخم مرغ سرانه سالانه
۱۸۰	۱۶۲	مصرف گندم سرانه سالانه

کشور انگلستان ۶ درصد، ژاپن ۴٫۵ درصد، آمریکا ۲٫۳ درصد، آرژانتین ۵ درصد، الجزایر ۶ درصد، کره جنوبی ۵٫۵ درصد و هندوستان ۱۱ درصد از مخارج دولت را به پرداخت سوبسید اختصاص داده اند.



پروئینی به مواد نشاسته ای است.

افت کار آبی، نیروی انسانی، نارضایتی های اجتماعی، توزیع درآمد نابرابر، فشار بسیار زیاد و حقوق بگیران ثابت و پیوستن آنها به جمع فرا، در واقع حرکت به سوی افزایش نابرابریها است و اینها از پیامدهای بسیار قابل لمس حذف با کاهش سوبسید است؛ بنابراین می توان پیشنهاد کرد که نیاز ما در این شرایط و برهه از تاریخ، منطقی کردن سیستم پرداخت سوبسید است و نه حذف آن، و هر گونه تغییری در نظام پرداخت سوبسید، با توجه شرایط فعلی اقتصادی خانوارهای کشور باید سنجیده شود.

مطابق آخرین آماری که در مورد هزینه های خانوار در سال ۶۸ منتشر شده است، هزینه های خوراکی ۲۰ درصد از خانوارهای روستایی - یعنی دو دهک فقیر روستایی - کمتر از ۱۰۰ ریال در روز است و هزینه های خوراکی روزانه ۴۰ درصد کم درآمدهای روستایی و شهری، رقمی کمتر از ۱۵۰ ریال است. اگر به سهم بهترین ماده غذایی در هزینه های این گروهها نگاه کنیم، ۳۰ درصد از هزینه های خوراکی روستایی را نان تشکیل می دهد و حدود ۴۱ درصد از هزینه های خوراکی شهری را گوشت تشکیل می دهد؛ یعنی در کالاهای سوبسید شده در گروههای کم درآمد جامعه شهری گوشت و در جامعه روستایی، نان و آرد، رقمی حدود ۳۰ درصد از کل هزینه های خوراکی را تشکیل می دهد.

در کل جامعه شهری، حدود ۴ درصد از هزینه های خوراکی برای نان، ولی در مجموع گروههای درآمدی جامعه روستایی، نان حدود

هزینه نان نسبت به هزینه سالانه یک خانوار - ۱۳۷۲

روستایی	شهری	
۸۶۸۲۲	۲۹۷۲۷	متوسط هزینه نان
۵۵۳۱۵۷	۸۰۲۹۴۵	متوسط هزینه خوراکی
۵۰۵۲۶۶	۹۹۷۳۸۳	متوسط هزینه غیرخوراکی
۱۰۵۸۴۲۳	۱۰۸۰۰۳۲۸	حجم کل هزینه
%۱۵٫۷	%۳٫۷	نسبت هزینه نان به هزینه های خوراکی
%۸٫۲	%۱٫۷	نسبت هزینه نان به کل هزینه ها

کشور انگلستان، سوبسید سرانه اش را از ۴۰ دلار در سال ۱۹۶۸، به ۱۲۶ دلار در ۱۹۷۴ افزایش داده است و برای مقابله با رکود در سالهای تورم و خنثی کردن اثرات آن برای روی مواد غذایی -مانند شیر، کره، پنیر، چای و...- سوبسید پرداخت کرده است.

در نتیجه تسلط دیدگاه رشد سریع اقتصادی بر کشور، پرداخت زیان کردها -به عنوان تابعی از درآمد نفت- افزایش تقاضا را به دنبال داشت و الگوی مصرف جامعه را به کلی دگرگون کرد.

۶ درصد از هزینه های خوراکی را به خود اختصاص داده است. یکی از علت های اصلی این اختلاف، پرداخت سوبسید نان به خانوارهای شهری و عدم پرداخت آن در مناطق روستایی است. در نتیجه در گروه های کم درآمد روستایی، بین ۲۳ تا ۲۵ درصد از هزینه های خوراکی، تنها به نان تعلق می گیرد؛ یعنی جامعه روستایی - که در واقع محل تمرکز فقرای ماست - از سوبسید های مصرفی به خصوص سوبسید نان بهره ای نمی برند. به هر حال فردی که تنها در روز ۱۵۰ ریال باید صرف هزینه های خوراکی کند، ۳۰ درصد آن را برای گوشت یا نان صرف می کند، که در صورت حذف سوبسید نان، حدود ۶۰ درصد بر هزینه نان افزوده خواهد شد؛ به عبارت دیگر فردی که امروز رقمی حدود ۴۰ ریال برای تأمین نان مصرفی، از ۱۵۰ ریال هزینه خوراکی خود می پردازد، با حذف سوبسید، رقمی حدود ۶۵ تا ۷۰ ریال باید بپردازد و می توان نتیجه گرفت که مشکل سوء تغذیه، به مراتب پیچیده تر از آنچه که در سالها ۵۶ بوده، خواهد شد.

پیشنهادات

برای تأمین هدف کاهش هزینه های دولت و حمایت از گروه های کم درآمد، تنظیم یک برنامه سوبسید تبعیضی در جهت حمایت از طبقات فقیر و تغییر الگوی مصرف به طرف تولیدات داخلی و (افزایش تولیدات داخلی در مواد پروتئین^۵) ضروری است. تغییر نرخ مبادله به نفع بخش کشاورزی و تنظیم برنامه کمک های دولت در جهت حمایت از تولید کننده های بخش کشاورزی، باید در اولویت قرار گیرد. از همه مهمتر اصلاح سیستم مالیاتی

کشور است؛ زیرا در سالهای بعد از انقلاب سوبسید از محل مالیات های غیر مستقیم پرداخت شده است؛ یعنی، به جای درآمد نفت، از محل دریافت مالیات های غیر مستقیم تأمین شده است. ولی کماکان پرداخت سوبسید از مالیات های غیر مستقیم نیز اشکال دارد؛ زیرا پرداخت کننده نهایی مالیات های غیر مستقیم، کسب کننده های جامعه (فقیر و غنی) هستند. نظام مالیاتی باید به گونه ای اصلاح شود که سوبسیدها از محل دریافت مالیات های مستقیم پرداخت شود. طبقات غنی باید هزینه های لازم بپردازند. تغذیه رایگان در دبستانها، دبیرستانها، دانشگاه ها، کمک به مادران باردار و نوزادان تا سن ۲ سالگی، از ضرورت های توسعه نیروی انسانی است.

قبل از آنکه جامعه را به آزمایشگاه تبدیل کنیم و با مردم مثل موش آزمایشگاهی برخورد کنیم؛ ضروری است که در مورد پیامدهای سوبسید بر روی گروه های اجتماعی خاص و گروه های اجتماعی کم درآمد، پژوهش های لازم انجام شود و بدون تحقیقات لازم، به هیچ وجه نظام پرداخت سوبسیدها نباید تغییری کند. اگر پیامدهای منفی سوبسید، یعنی افزایش هزینه از دولت، تغییر الگوی مصرف و افزایش واردات است؛ این مشکلات ناشی از عدم استفاده کامل دولت از ظرفیتهای تولیدی کشوری است. امکانات تولیدی داخلی ما، براحتمی می تواند واردات بی نیاز شود؛ بنابراین پرداخت سوبسید در شرایط فعلی کشور ما پیامدهای اجتماعی مثبت دارد؛ مانند کاهش سوء تغذیه، کاهش نابرابری های درآمدی، افزایش بهره وری نیرو کار، کاهش فشارهای تورمی بر طبقات کم درآمد، افزایش تولید، کاهش مهاجرت و همه مهمتر مشارکت مستضعفان در توسعه کشور.



بی نویس:

۱- امروزه اگر عنوان شود که شاخص کل قیمتها ۵ درصد افزایش یافته است، این شاخص معانی متفاوتی را به ما نشان می دهند. اگر ۵ درصد افزایش شاخص کل قیمتها، در اثر افزایش قیمت کالاهای غیرضروری پیش آمده باشد، طبقه کم درآمد و فقیر فشار آن را خیلی احساس نخواهد کرد اما اگر این ۵ درصد (همان رقم) با افزایش قیمت کالایی ضروری و خوراکی پیش آمده باشد، به طور یقین فشارش روی خانواده ای کم درآمد، به مراتب بیش از ۵ درصد احساس خواهد شد. غرض این است که وقتی آمارهای ارائه می شود که شاخصها تا این اندازه اضافه شده، توجه به ماهیت کالاهایی که موجب این افزایشها شده است، کاملاً معانی متفاوتی را خواهد داشت و اثر آن بر گروههای کم درآمد جامعه خواهد بود.

۱- مرکز آمار ایران

۲- بانک مرکزی

۳- برآورد سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، ۱۳۷۰.

۴- ذخایر بالقوه آبریزان کشور ما حدود ۷۰۰ هزار تن سالیانه است. در صورتی که تنها حدود ۱۵۰ هزار تن به قصد صادرات برداشت می شود.

منابع:

Jolly 1985 «Adjustment with a Human Face» UNICEF, New York

Lyn Squire «Poverty and Adjustment the 1980s» World Bank Economic Review, May, vol 5 No.2 PP. 177-85

Behrman R. Jere8 Deolalikan B. Anil 1991 «The Poor and the Social sector during The Period of Macroeconomic Adjustment» PP. 292-313

Pinst up - Anderson 1988 «The Impact

of Macro - Economic Adjustment: Food Security and Nutrition» in Simon Commanda ed.» structural Adjustment and Agriculture: Theory and Practice in Africa and Latin America». London. Overseas Development Institute.

Pinstrup - Anderson, 1985 «Food Prices and The Poor in Developing countries» European Review of Agricultural Economics 12(1/2): 69-81

Pinstrup - Anderson 1986 «Assuring Food security and Adequate Nutrition for the poor during Period of Economic cilsis and Macroeconomic Adjustments: policy options and Experience with Food subsidies and Transfer program» International Food Policy Research Institute, Washington D.C. Processed.

Pinstrup - Anderson 1986 «Macroeconomic Adjustment policies and Human Nutrition: available Evidence adn Research Needs» International Food policy Research Institute. Washington

Pinstrup - Anderson 1986 «Cosumer - Oriented Food Subsidies: Benefits, costs and policy Options» Baltimore, Md. Johns Hopkins University Press.

- بررسی برنامه پرداخت زیان کردهای دولت ایران، بدون تاریخ، صندوق حمایت مصرف کننده و مرکز پژوهشهای بازرگانی وزارت بازرگانی.

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. فروردین ۱۳۷۰. «بررسی آثار اجتماعی و اقتصادی پرداخت سوبسید در ایران».

- فیروز نسیمی پورآذر. ۲۳۶۹. «بررسی انواع سوبسیدها و جنبه های مختلف اقتصادی آنها» موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

فرم اشتراک:

فرهنگ توسعه

در صورت تمایل به اشتراک، فرم را تکمیل کرده و همراه با اصل فیش بانکی حق اشتراک (حساب جاری ۳۸۳۸۷ بانک سپه به نام احمد ملازاده، شعبه سمیه - قابل پرداخت در شعب سراسر کشور) به نشانی تهران، صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۴۴۷۱، مجله فرهنگ توسعه ارسال کنید.

حق اشتراک برای یکسال (۱۲ شماره):

ایران	۶۰۰۰ ریال
امریکا، کانادا و خاور دور	معادل ۲۴ دلار
اروپا	معادل ۴۰ مارک
خاورمیانه	معادل ۲۲ دلار

فرم اشتراک:

نام:
نام خانوادگی:

سن:
تحصیلات:
نشانی:

تلفن:
تاریخ شروع اشتراک:
از شماره:
کد پستی:
صندوق پستی: